

پلیس و مردم در مطبوعات:

تحلیل محتوای شیوه‌ارائه رابطه پلیس و مردم در مطبوعات ایران

۱۳۸۱-۱۳۰۱

دکتر علی اصغر محکی**

دکتر نعیم بدیعی***

تاریخ دریافت: ۸۴/۴/۲۱

تاریخ پذیرش: ۸۴/۸/۲۵

چکیده

بر اساس نظریه‌های کارکردی جامعه‌شناسی نظم، «مطبوعات» با تصویرسازی از

amahaki@gmail.com

** دکترای علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی

*** استاد گروه علوم ارتباطات اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی

badei@atu.ac.ir

چهره پلیس، و عملکرد و رابطه آن با مردم می‌توانند در حفظ امنیت روانی جامعه ایفای نقش کنند. ایفای چنین نقشی تحت تأثیر ریشه‌های شکل‌گیری و تداوم حیات مطبوعات و پلیس در کشور و نیز فضای سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه قرار دارد. با تحلیل محتوای مطالب مطبوعات و تقارن دادن این تحلیل با بافت سیاسی - اجتماعی دوره‌های مختلف تاریخی می‌توان دریافت که در هر دوره، ارائه مطالب مطبوعات از پلیس، و عملکرد و رابطه آن با مردم چگونه بوده و در مقایسه با دوره‌های دیگر چه تغییری یافته است.

در این بررسی، آن چه مطالب مطبوعات از پلیس، عملکرد و رابطه آن با مردم در پنج دوره از تاریخ معاصر ایران ارائه کرده‌اند، بر اساس شاخص‌های زیر تبیین و مقایسه شده است: میزان اقتدار ارائه‌شده از پلیس، مقدار مطالبات انعکاس‌یافته مردم از پلیس، نوع مطالبات مردمی درج‌شده، جهت‌گیری پلیس در مطالب (به طرفداری از دولتمردان یا به طرفداری از مردم)، میزان جامعه‌محور یا تهدیدمحور نشان دادن رویکرد پلیس، نوع رابطه نشان‌داده‌شده از پلیس در مطالب مطبوعات هر دوره (رابطه با جامعه، رابطه با مراجعان یا متقاضیان خدمات پلیسی، رابطه با منابع اطلاعاتی یا دولتی، روابط درون‌سازمانی و بین‌انواع مختلف نقش‌ها)، شیوه پاسخ یا رویارویی پلیس با پدیده‌های اجتماعی (ستیز، انکار، طرد و حذف پدیده یا نقادانه، تحلیلی و اصلاحی)، و شیوه نقد پلیس در مطبوعات (مخرب، غیرمخرب).

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهند که نقش واسطه مطبوعات در رابطه پلیس و مردم در ایران تحت تأثیر فضای سیاسی - اجتماعی قرار دارد. قواعد کلی حاکم بر فضای مطبوعات کشور در دوره‌های مختلف، وضعیت خود را در ضمن ارائه نوع رویکرد و میزان اقتدار پلیس نشان داده است، به گونه‌ای که در فرازهایی از تاریخ این کشور، شرایط و فضای سیاسی حاکم موجب شده تا تصاویری متفاوت از اقتدار، رویکرد و نوع رابطه پلیس و مردم در مطبوعات کشور ارائه شود.

واژه‌های کلیدی: پلیس و مردم، مطبوعات ایران، نیروی انتظامی ایران، رویکرد جامعه‌محور و رویکرد تهدیدمحور، جامعه‌شناسی نظم و امنیت اجتماعی، تاریخ معاصر ایران

مقدمه و طرح مسئله

پلیس و مطبوعات دو سازمان تأثیرپذیر از تحولات سیاسی-اجتماعی کشور، به نوبه خود بر این تحولات، تأثیرگذار نیز هستند. بررسی تاریخی ریشه‌های شکل‌گیری این دو سازمان در ایران نشان می‌دهد که این دو سازمان در مسیر استقلال عمل خود و دوری یا نزدیکی به منافع و مصالح عمومی، همواره با چالش‌هایی روبه‌رو بوده‌اند. پلیس برای حفظ امنیت و نظم اجتماعی در جامعه نیازمند اعتماد عمومی است و مطبوعات به منزله میانجی روابط نهادهای اجتماعی و مردم، با انتشار اخبار، مقالات، گزارش‌ها و تفسیرها می‌توانند این اعتماد عمومی را نسبت به پلیس ایجادکنند. مطالعه متون مطبوعاتی نشان می‌دهد که این رسانه چگونه در دوره‌های مختلف، شکل رابطه میان مردم و پلیس را بازنمایی کرده است.

به رغم مشکلاتی که همواره در راه ایفای نقش مطبوعات ایران، به منزله میانجی روابط نهادهای حکومتی و مردم وجود داشته است، نمی‌توان منکر شد که در فرازهایی از تاریخ معاصر این کشور، مطبوعات منشأ بروز تغییراتی در شکل رابطه میان مردم و سازمان‌های حکومتی شده‌اند.

مطبوعات به مثابه حلقه واسط ارتباط بین مردم و پلیس می‌توانند خواسته‌های مردم را به پلیس منعکس کنند و با ارائه عملکرد و پاسخ‌های پلیس به مطالبات مردم، موجب اعتمادسازی بین مردم و پلیس شوند. اما ایفای چنین نقشی بستگی به ریشه‌های شکل‌گیری و تداوم حیات مطبوعات، میزان استقلال عمل و نیز «مردم‌محور» بودن

مطبوعات و پلیس، و در مجموع نوع رویکرد کلان پلیس و مطبوعات به جامعه و وجود زمینه‌های مساعد تعاملی میان این دو دارد.

«نظارت مردم بر عملکرد پلیس»، «نهادینه کردن مشارکت مردم»، «تنظیم روابط و تعامل مردم با پلیس»، «آموزش مردم و فرهنگ‌سازی در جهت تشخیص منافع و مصالح جمعی» از جمله کارکردهای مطبوعات مستقل، آزاد و مسئول در یک نظام اجتماعی است.

تحلیل محتوای مطالب مطبوعات در دوره‌های مختلف تاریخی نشان می‌دهد که در هر دوره تا چه اندازه مطبوعات در نظارت بر عملکرد پلیس، مشارکت‌دهی مردم در استقرار نظم و امنیت عمومی، آموزش نظم و قانون‌مداری به مردم و در نهایت تنظیم روابط و تعاملات پلیس و مردم، ایفای نقش کرده‌اند. مضافاً این که چهره‌آرائه شده از پلیس در مطبوعات هر دوره چگونه بوده است.

تاکنون شکل رابطه پلیس و مردم در ایران و تغییرات دوره‌ای آن از راه تحلیل محتوای مطبوعات مورد تحقیق قرار نگرفته است. غفلت از پرداختن به این نوع پژوهش‌ها، مانع از توسعه‌اندیشه‌های اصلاح‌گرا و سازنده و در نتیجه، تداوم یافتن شرایط حاکم خواهد شد.

مقاله حاضر خلاصه گزارش یک پژوهش است. پرسش اصلی پژوهش این بوده است که «مطبوعات ایران، در دوره‌های مختلف تاریخی، شکل رابطه پلیس با مردم را چگونه نشان داده‌اند؟» و آیا تغییر در شرایط سیاسی-اجتماعی کشور منجر به تغییر در شکل ارائه رابطه پلیس و مردم در مطبوعات شده است؟ بنابراین پژوهشگر، دوره‌هایی را برای بررسی خود برگزیده که فرازهایی تاریخی در وقوع تغییرات سیاسی-اجتماعی در ایران به شمار می‌روند. سال‌های پس از کودتای ۱۲۹۹ ه‍.ش و روی کار آمدن سلطنت پهلوی (۱۳۰۱ و ۱۳۰۲ ه‍.ش)، سال‌های پس از خروج رضاخان از کشور

(۱۳۲۰ و ۱۳۲۱ هـ.ش)، سال‌های پس از کودتای ۲۸ مرداد (نیمه ۱۳۳۲ تا نیمه ۱۳۳۴ هـ.ش)، واپسین سال حکومت پهلوی در ایران (۱۳۵۶ تا ۱۳۵۷ هـ.ش)، و در نهایت دوران استقرار و تثبیت تشکیلات جدید نیروی انتظامی پس از پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ هـ.ش). در هر یک از این دوره‌ها، باز یا بسته بودن فضای سیاسی کشور، نهادهای رسانه‌ای و انتظامی را با شرایطی متفاوت روبه‌رو ساخته است. اما این که «تفاوت در فضا و شرایط، بر کارکرد مطبوعات در بازنمایی رابطه پلیس و مردم تأثیر داشته یا نه؟» پرسشی است که پژوهشگر در پی یافتن پاسخ آن بوده است.

مبانی نظری

۱- ضرورت بررسی تاریخی

به منظور به دست آوردن تصویری دقیق و عینی از گذشته، شایسته است مطالعه روندها با بررسی تاریخی آغاز شود.

به نظر فرد اینگلیس (Fred Inglis) استاد علوم تربیتی مؤسسه تحقیقات عالی پرینستون انگلستان، هر بررسی تاریخی از یک رویکرد نظری تبعیت می‌کند. می‌توان از سنت لیبرالیستی یا مارکسیستی برای تحلیل تاریخی سود جست. لیبرال‌ها واقعیات را بر اساس حرکت آزادانه افراد در جامعه‌گزینش می‌کنند و مورد تحلیل قرار می‌دهند. اما مارکسیست‌ها واقعیات را با در نظر گرفتن شرایط اعمال شده از سوی دارندگان قدرت سرمایه برای سلطه بر طبقات جامعه، انتخاب می‌کنند. اینگلیس تاریخ را روایتی ساخته شده از شکل جدی زندگی گذشته می‌داند و معتقد است که «احتمالاً نمی‌توان همه آن چه را که در دوران قبل رخ داده در بررسی تاریخی لحاظ کرد و لذا مجبور به گزینش حقایق مفروض، بر اساس یک مجموعه ساختارهای مفهومی هستیم» (اینگلیس، ۱۳۷۷: ۸).

۲- رابطه مطبوعات با قدرت:

آرای مکتب تضاد: «مارکسیست‌های لنینیست» مالکیت رسانه‌های جمعی را عموماً در دست صاحبان قدرت متمرکز می‌بینند، لذا مطبوعات را نیز سرکوبگر و صرفاً سخنگوی آنان می‌دانند. به اعتقاد آنان، پرولتاریای فقیر و استثمارشده با ترس و قلدری وادار می‌شود تا هرچه این رسانه می‌گوید باور کند. «مارکسیست‌های جدید» به واسطه بودن مطبوعات اعتقاد دارند و می‌گویند که مردم، چه به منزله تولیدکنندگان و چه به منزله مصرف‌کنندگان مطبوعات، بر اساس شکل زندگی خاص، محلی و واقعی خود رفتار می‌گیرند.

آرای «کارکردگرایان»: از نظر کارکردگراها، نهادها و رویه‌های انسانی از کارکردی برخوردارند که آن‌ها را قادر می‌سازد تا به نظم‌دهی و قدرت‌بخشی جامعه تداوم بخشند. اگر کارکرد آن‌ها نامناسب باشد، به تشکیلات اجتماعی لطمه می‌زند (همان منبع، ۷۷-۸۴).

از دید آنتونی گیدنز (Anthony Giddens) جامعه‌شناس انگلیسی، مطبوعات از راه ایفای نقش به مثابه یکی از کانال‌های نظارتی و اطلاعاتی جوامع نوین، روابط و مناسبات نهادهای شکل‌دهنده و کنترل‌کننده حکومت‌ها را تنظیم می‌کنند (Geertz, 1973: 5).

۳- نقش میانجی مطبوعات در تولید، بازتولید و توزیع معرفت

دنيس مک‌کوئیل (Dennis McQuail) استاد ارتباطات دانشگاه آمستردام هلند، با اشاره به نقش مطبوعات در تولید، بازتولید و توزیع معرفت عقیده دارد که مطبوعات نقش میانجی میان واقعیت عینی اجتماعی و تجربه فردی را ایفا می‌گیرند. مطبوعات از چند لحاظ میانجی هستند:

- (۱) میان ما و تجربه بالقوه خارج از ادراک یا تماس مستقیم ما قرار می‌گیرند.
- (۲) میان ما و سایر نهادهایی که با آنها سر و کار داریم قرار می‌گیرند.
- (۳) میان نهادهای گوناگون ایجاد پیوند می‌گیرند.
- (۴) مجراهایی هستند که توسط آنها دیگران با ما و ما با دیگران تماس می‌گیریم.
- (۵) به ادراک ما از سایر گروه‌ها، سازمان‌ها و رویدادها شکل می‌دهند (مک‌کوئیل، ۱۳۸۲: ۸۲-۸۴).

میدان فعالیت مدیران مطبوعات و آزادی عمل آنان، تحت تأثیر مجموعه‌ای از قواعد کلی و پایدار در جامعه مانند وظایف و اهداف رسانه‌ها در جامعه، تمایز رسانه‌ها از یکدیگر و حدود فعالیت‌های رسانه‌ای در مقایسه با سایر نهادها قرار دارد. مک‌کوئیل درباره عملکرد رسانه در میدان نیروهای اجتماعی، آن را تحت تأثیر فشارها، تقاضاها، یا اعمال نفوذها و قدرت‌های گوناگون می‌داند و از پنج نوع رابطه اصلی که بر فعالیت‌های سازمانی و نقش ارتباط‌ساز جمعی اثر می‌گذارند بدین ترتیب نام می‌برد:

رابطه با «جامعه»، رابطه با «مشتریان»، رابطه با «منابع اطلاعاتی و حکومتی»، رابطه «درون سازمانی بین انواع مختلف نقش‌ها»، و رابطه با «مخاطبان» (همان منبع، ۸۱-۸۴).

۴- نظریه‌های مربوط به رویه‌های گفتاری (کنش‌های زبانی)

از نظر زبان‌شناسان «نقش‌گرا» انسان در هنگام صحبت کردن، فراتر از یک کنش گفتاری ساده، به یک عمل دست می‌زند. عملی که متأثر از ارزش‌های مورد قبول او است. در واقع ادای هر گزاره، به نوبه خود، یک عمل برخاسته از ارزش‌های درونی محسوب می‌شود (همان منبع).

به نظر فرد انگلیس، در زمان بررسی مطبوعات باید شکل‌های متنوع گفتار، همراه با

تأثیرات و اهداف کاربردی هر کدام از آن‌ها مورد مطالعه قرار گیرند: یعنی بررسی به کارگیری اشکال گوناگون گفتار، در ارتباط با هدف گوینده یا نویسنده، در یک بافت وسیع فرهنگی و اجتماعی.

به عقیده کلیفورد گیرتز (Clifford Geertz)، استاد انسان‌شناسی دانشگاه هاروارد، ما توسط متن‌های ایدیولوژیک، همتایی ساختاری، نمادین و تخیلی از انگاره‌ها، تصویرهای ذهنی و عواطف با جهان بیرون می‌سازیم. این انگاره‌ها و تصویرهای ذهنی، به احساسات ما شکل می‌دهند و آن‌ها را برای ما تبیین می‌کنند (Geertz, 448).

۵- نظریه‌های مربوط به تولید و حفظ امنیت اجتماعی

با توجه به نقش‌های سه‌گانه حکومت‌ها، یعنی «مراقبت»، «کنترل» و «نظم»، نقش و رویکرد مطبوعات تابعی از شیوه نگرش و برخورد حکومت‌ها با این سه نقش است. بر این اساس، هرگاه الگوهای درونی و الگوهای بیرونی رفتار در یک جامعه بر اساس توافقی آگاهانه با یکدیگر منطبق شوند، جامعه از «وفاق» برخوردار خواهد شد. مطبوعات در عین حال که عامل و انگیزه وفاق هستند، ابزار آن نیز محسوب می‌شوند. نظم را می‌توان به دو دسته «بیرونی» و «درونی» تقسیم کرد. نظم بیرونی، عمودی و از بالا به پایین است، در حالی که نظم درونی یا نظم وفاقی، افقی است.

در نظم بیرونی، اطلاعات به بالا منتقل نمی‌شود و اساس نظم، شکننده، آسیب‌پذیر، همواره آماده عدم مشروعیت و بسیار گول‌زننده است. اما دوام نظم درونی بیش‌تر است. حکومت‌های اقتدارگرا به رویکرد نظم بیرونی و حکومت‌های مردم‌سالار به رویکرد نظم درونی تمایل دارند. در نظم درونی، مخاطبان مطبوعات مردم هستند نه دولت. وفاق در جامعه‌ای که با نظم درونی اداره می‌شود معنا می‌یابد (محسنیان راد،

۱۳۷۸: ۱۱۳-۱۱۵).

از کارویژه‌های دولت‌ها در جوامع مدرن، ایجاد و حفظ امنیت است. مفهوم امنیت، در ادوار تاریخی، از بعد سخت‌افزاری به نرم‌افزاری و از امر عینی به ذهنی تغییر و تحول یافته است. به تبع این جابجایی، رهیافت و رویکرد و ابزارهای ایجاد و حفظ آن نیز دستخوش تحول شده‌اند. در جوامع جدید، به جای کنترل و نظارت نهادهای رسمی این، مقدار سرمایه اجتماعی است که نماد قدرت و امنیت به شمار می‌رود. با توجه به جابجایی معنایی امنیت، مدیریت امنیت اجتماعی نیز تغییر یافته است. امروزه مدیریت درست و منطقی امنیت اجتماعی در جامعه منوط به ایجاد نظم وفاقی یا درونی در کنار نظم سیاسی یا ابزاری و همچنین فرارفتن از الگوی سلطه فیزیکی به همدلی و مشارکت مردمی و افزایش اعتماد به نهادها و حکومت در تمام سطوح حیات اجتماعی است (عبدی، ۱۳۸۲: ۶-۷).

۶- راهبردهای پلیس در اداره امور: از پلیس سیاسی تا پلیس جامعه‌گرا

در جریان شکل‌گیری اداره امور پلیس در غرب، سه تغییر الگوی عمده رخ داده است.

- ۱) دوره سیاسی: این دوره تا ربع قرن بیستم ادامه یافت و زمانی بود که ادارات پلیس در حال شکل‌گیری بودند. در این دوره، پلیس پیوند نزدیکی با سیاست داشت.
- ۲) دوره اصلاحات: تغییر اساسی در این دوره، تفکیک اداره امور پلیسی از سیاست و تاکید بر نقش پلیس بود. معمران پلیس، مجریان بی طرف قانون بودند که با شهروندان از لحاظ حرفه‌ای، ارتباطی خنثی و از راه دور داشتند.
- ۳) دوره جامعه‌گرا: در دهه ۱۹۶۰ میلادی، با فوران تغییرات اجتماعی در ایالات متحده، جنبش حقوق مدنی و نیز نهضت ضد جنگ به وقوع پیوست و پلیس با

مجموعه‌ای گنج‌کننده از جنبش‌های اجتماعی رو در رو و با جامعه در نبرد بود. پوشش خبری رسانه‌ها درباره اعمال مجریان قانون، نهایتاً باعث آن شد که مردم خواستار تغییر در این سیستم شوند. در پاسخ به چهره منفی ایجاد شده از پلیس در دهه ۱۹۶۰، چندین اداره پلیس در سراسر ایالات متحده اقدام به ایجاد برنامه‌هایی برای تقویت روابط با مردم نمودند. این برنامه‌ها شامل برنامه‌های روابط عمومی، برنامه‌های روابط اجتماعی و برنامه‌های پیشگیری از وقوع جرم بودند. چنین برنامه‌هایی به عنوان اقدامی استراتژیک، تحت عنوان اداره امور پلیسی «جامعه‌گرا» شهرت یافتند (Kelling and Moore, 1991: 9-13).

سه دوره اداره امور پلیسی

دوره‌های سه‌گانه اداره امور پلیسی	دوره سیاسی	دوره اصلاحات	دوره جامعه‌گرایی
از ۱۸۴۰ تا ۱۹۳۰	از ۱۹۳۰ تا ۱۹۸۰	از ۱۹۸۰ تا کنون	
سیاست و قانون	قانون و حرفه‌گرایی	حمایت جامعه، قانون، حرفه‌گرایی	
خدمات گسترده اجتماعی	کنترل جرایم	ارائه گسترده خدمات	
غیرمتمرکز	متمرکز، کلاسیک	غیرمتمرکز، گروهی، ماتریسی	
صمیمی	حرفه‌ای، از راه دور	صمیمی	
گشت پیاده	گشت پیشگیری و پاسخ سریع به تماس‌ها	گشت پیاده، مسئله‌یابی، روابط عمومی	
رضایت شهروندان، رضایت سیاسی	کنترل جرایم	بهبود کیفیت زندگی و رضایت شهروندان	

سازمان پلیس مدرن ایران در سال ۱۲۹۴ هجری قمری با استفاده از الگوی پلیس وین توسط افسری اتریشی ایجاد شد. از آن زمان تا هنگام پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، رؤسای انتصابی پلیس، مطیع اوامر حاکم بودند و حفظ امنیت دولتمردان را اولویت کار پلیس قرار داده بودند.

در سال‌های پایانی حکومت پهلوی، نوعی الگوی پلیس حرفه‌ای الگوبرداری شده از مدل پلیس حرفه‌ای دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ ایالات متحده در ایران شکل گرفت اما در جریان وقوع پیروزی انقلاب اسلامی شیرازه آن از هم پاشید و به خاطر رویارویی مستقیم پلیس با نیروهای مردمی، فلسفه مدیریتی آن با چالش جدی مواجه شد. لذا نیروهای مردمی و شبه‌انتظامی، هر کدام گوشه‌ای از وظایف شهربانی و ژاندارمری را بر عهده گرفتند.

تهدیدات خارجی، اغتشاشات داخلی، وقوع جنگ ۸ ساله و پیامدهای اجتماعی و اقتصادی آن، مجال لازم را برای شکل‌گیری الگوی جدید پلیس ایران متناسب با تغییرات وسیع اجتماعی فراهم نساخت. یک دهه بعد از ادغام کمیته‌های انقلاب با شهربانی، ژاندارمری و پلیس قضایی در ابتدای دهه ۱۳۷۰ شمسی و تأسیس «نیروی انتظامی»، برای اولین بار صحبت از شکل‌گیری پلیس جامعه‌محور و تغییر رویکرد آن در اداره امور و ارتباط با مردم و نهادهای اجتماعی به میان آمد.

بر اساس تعریفی که فرماندهان اخیر نیروی انتظامی از رویکرد جامعه‌محور ارائه کرده اند، در این رویکرد، خواست و مشارکت مردم در حفظ امنیت اساسی‌ترین عامل به حساب می‌آید. از جمله ویژگی‌های این رویکرد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- فلسفه وجودی نیروی انتظامی، امنیت و نظم عمومی است.
- ۲- امنیت یک فرآیند تلقی می‌شود و پایدار بودن و فراگیر بودن آن بیش از برقرار بودنش اهمیت دارد.

۳- احساس امنیت اولویتی به مراتب بالاتر از امنیت عینی دارد، به طوری که اگر امنیت عینی برقرار شود ولی مردم احساس امنیت و آرامش روانی نداشته باشند مانند این است که امنیت وجود ندارد.

۴- نقش مردم در مقوله امنیت با اهمیت تلقی می‌شود و همکاری پلیس و مردم برای تامین امنیت جامعه، یک ارتباط باارزش و اثرگذار ارزیابی می‌شود.

۵- مفهوم امنیت از نظر صوری و ظاهری در اجتماع تنها به معنی فقدان جرایم و تخلفات نیست و فراتر از آن امنیت اجتماعی را نیز در بر می‌گیرد. امنیت اجتماعی شامل مصادیق روحی، اخلاقی، بهداشتی، اقتصادی و بالاخره ایجاد ثبات و نظم واقعی و معقول در اجتماع است.

۶- امنیت در جامعه به سادگی از راه حضور آشکار پلیس به دست نمی‌آید. اقتدار پلیس در این رویکرد از راه شناسایی دقیق حقوق شهروندان و اصرار بر رعایت قوانین، اشراف داشتن و اهمیت دادن به تعاملات نیروهای اجتماعی، تخصصی کردن حوزه‌های عمل و ساختارهای پلیس، حضور اجتماعی در متن جامعه، مددکاری پلیس برای حل مشکلات و پیشگیرانه بودن رفتارهای پلیس حاصل می‌شود و اقتدار پلیس هرگز در تضاد با منافع و حرمت مردم قرار نمی‌گیرد.

۷- پلیس با نهادهای بنیادین جامعه مثل خانواده، مدرسه، وسایل ارتباط جمعی، دستگاه‌های دولتی و تشکل‌های غیردولتی ارتباطی مبتنی بر درک متقابل و تعامل مشارکت‌جویانه دارد.

۸- مردم بر عملکرد پلیس نظارت دارند. پلیس در مقابل مردم پاسخگو و مسئول است و اعتماد مردم به پلیس بزرگ‌ترین سرمایه این نیرو به شمار می‌رود. بنابراین، به منظور کشف موانع و یافتن راه‌های افزایش همبستگی عاطفی و تعامل بین پلیس و مردم، گرفتن بازخور از محیط اجتماعی همواره در اولویت کار قرار دارد.

۹- از آن جا که در این رویکرد، پلیس نقش ناظم را دارد و برقراری اصل انضباط برعهده خود مردم و فرهنگ جامعه است، نهادینه کردن مشارکت مردم و تنظیم روابط و تعامل مردم با پلیس از مهم ترین اصول هستند. برای تحقق این امر با آموزش مردم و فرهنگ سازی، فضای لازم ایجاد می شود (قالیباف، ۱۳۸۲: ۱۵-۱۷).

روش تحقیق

برای بررسی پوشش مطبوعات درباره رابطه پلیس و مردم در دوره های مختلف، از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. تحلیل محتوا، وسیله ای است که محقق به کمک آن محتوای پیام های ارتباطی را از طریق تجزیه و تحلیل منظم، عینی و مقداری آن ها تعیین می کند. این تکنیک کمی برای تفسیر و تبیین منابعی به کار می رود که معمولاً کیفی محسوب می شوند (George, 1975: 27).

واحد تحلیل، مطالب مطبوعاتی است که در دوره های زمانی مورد بررسی (نمونه آماری) راجع به عملکرد، ماموریت یا وظایف پلیس ایران، چه از قول پلیس و چه از قول مطبوعات، دولتمردان یا مردم درج شده است (هر مطلب یک واحد تحلیل). هدف اصلی این تحقیق، دست یابی به این واقعیت است که آیا در شکل رابطه پلیس و مردم در ایران با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی تغییراتی پدید آمده است یا خیر؟ بدین منظور نحوه درج مطالب مربوط به پلیس در مطبوعات هر دوره می تواند تا اندازه زیادی راهگشای پژوهشگر در رسیدن به این هدف باشد.

دوره های تاریخی مورد بررسی که متناسب با هدف تحقیق و پس از انجام یافتن مطالعات تاریخی و گرفتن آرای صاحب نظران انتخاب شده اند، عبارتند از:

۱- دوره اول (سال های ۱۳۰۱ و ۱۳۰۲ ه.ش)،

۲- دوره دوم (سال‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۲۱ ه.ش)،

۳- دوره سوم (نیمه دوم سال ۱۳۳۲ تا نیمه اول سال ۱۳۳۴ ه.ش)،

۴- دوره چهارم (سال ۱۳۵۶ تا ۱۳۵۷ ه.ش)، و

۵- دوره پنجم (سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ ه.ش)

با توجه به هدف تحقیق، تعدادی از مطبوعات هر دوره گزینش شده و به عنوان نمونه آماری، تمام مطالب مرتبط با پلیس در آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته‌اند. روزنامه‌های یاد شده در دوره انتشار خود، در زمره با نفوذترین و مهم‌ترین نشریات بوده‌اند. تلاش شده تا روزنامه‌های انتخاب شده طیف‌های مختلف فکری را دربرگیرند.

پرسش‌های تحقیق

- ۱- به استناد محتوای مطالب مطبوعات، شکل ارائه رابطه پلیس و مردم در مطبوعات ایران در دوره‌های مختلف تاریخی چگونه بوده است؟
- ۲- آیا با تغییر شرایط سیاسی و اجتماعی، در ارائه شکل رابطه پلیس و مردم در مطبوعات ایران تغییراتی پدید آمده است؟

فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اول: بین دوره‌های مورد بررسی، از نظر اقتدار ارائه شده از پلیس در مطالب مطبوعات، تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

توضیح: اقتدار پلیس ممکن است به دو صورت ارائه شود: در حالت اول بیشتر بر عامل قدرت تاکید می‌شود و لذا جنبه‌های سخت افزاری مانند حضور فیزیکی و

مشهود پلیس، برخورد انضباطی خشک، انجام وظیفه صرف به عنوان ضابط قضایی، توجه غالب به جنبه‌های ظاهری و جسمی به جای تخصص‌گرایی در جذب، سازماندهی و به‌کارگیری کارکنان، استفاده از زور برای گرفتن اقرار از متهمان (به جای جمع‌آوری شواهد به روش علمی)، عدم اعتقاد به تعامل و ارتباط با مردم، رسانه‌ها و تشکل‌های مردمی (و به جای آن نزدیک شدن به قدرت‌های سیاسی یا اقتصادی) نمود غالب دارند.

در حالت دوم، اقتدار پلیس نه از راه قدرت نمایی صوری، بلکه از راه حضور به موقع در صحنه عمل، به‌کارگیری شیوه‌های علمی در کشف جرم و اعمال قانون، تخصص‌گرایی در نیروی انسانی، نظم و انضباط درونی، صحت عمل در اجرا، تخصصی بودن حوزه‌های عمل و ساختار پلیس، رعایت آداب معاشرت و حسن رفتار، تعامل توأم با احترام با مردم، رسانه‌ها و تشکل‌های مردمی، متناسب بودن لباس، علائم و نشان‌های سازمانی، و پیشگیرانه بودن رفتارهای پلیس ارائه می‌شود.

فرضیه دوم: بین دوره‌های مورد بررسی، از نظر میزان انعکاس خواسته‌های مردم از پلیس در مطبوعات، تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

فرضیه سوم: بین دوره‌های مورد بررسی، از نظر نوع مطالبات مردم از پلیس، تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

فرضیه چهارم: بین دوره‌های مورد بررسی، از نظر جهت‌گیری پلیس در مطالبات مطبوعات (به طرفداری از دولتمردان یا به طرفداری از مردم) تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

فرضیه پنجم: بین دوره‌های مورد بررسی، از نظر جامعه‌محور یا تهدیدمحور بودن رویکرد پلیس به امنیت در مطالبات مطبوعات، تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

توضیح: به استناد مطالعات و بررسی‌های مقدماتی این پژوهش و تایید خبرگان،

می‌توان «جامعه محور» بودن نگاه پلیس به امنیت را با توجه به این ملاک‌ها به دست آورد: پاسخ‌گو بودن و توجه داشتن به نیازها و تقاضاهای مردم، توجه اصلی به تأمین امنیت مردم و نه دولتمردان، تعامل و ارتباط نزدیک پلیس و مردم، مشارکت مردم با پلیس، توجه داشتن به نقش سایر نهادهای اجتماعی در تولید و حفظ امنیت، اهمیت داشتن احساس امنیت، اهمیت قایل شدن برای نقش مردم در حفظ امنیت، شناسایی دقیق حقوق شهروندان و اصرار بر رعایت آن از سوی پلیس، اهمیت دادن به تعامل با نیروهای اجتماعی، مددکاری پلیس برای حل مشکلات، رعایت منافع و حرمت مردم، نظارت مردم بر عملکرد پلیس، آموزش مردم و فرهنگ سازی.

از سوی دیگر، حاکم بودن ملاک‌های زیر بیانگر مسلط بودن رویکرد «تهدیدمحور» در نگاه پلیس به امنیت است: اولویت و توجه اصلی به خواست‌های دولتمردان و تأمین امنیت آنان، شکاف در ارتباط میان پلیس و مردم، عدم مشارکت مردم با پلیس در حفظ نظم، تأمین امنیت و اجرای قانون، توجه صرف به نقش پلیس در تولید و حفظ امنیت و غفلت از نقش سایر نهادهای اجتماعی، اولویت دادن به امنیت عینی به جای احساس امنیت، زیر پا گذاشتن حقوق شهروندان و عدم رعایت آن از سوی پلیس، معطوف بودن پلیس به حل مشکلات خود و غفلت از جامعه، قایل نبودن نقش برای مردم در نظارت بر عملکرد پلیس، عدم توجه به آموزش مردم و فرهنگ سازی.

فرضیه ششم: بین دوره‌های مورد بررسی از نظر نوع رابطه نشان داده شده از پلیس در مطبوعات تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

فرضیه هفتم: بین دوره‌های مورد بررسی از نظر شیوه پاسخ یا رویارویی پلیس با پدیده‌ها، تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

فرضیه هشتم: بین دوره‌های مورد بررسی از نظر شیوه نقد پلیس در مطالب تفاوت

معنی دار وجود دارد.

توضیح: اگر نقد با تکیه بر استدلال منطقی، ادراکی، خردگرایانه و بدون تمسخر و دور از بدزبانی انجام شود «غیرمخرب» و عکس آن «مخرب» است.

مقوله‌های تحقیق

مقوله‌های مورد بررسی عبارت بوده‌اند از: سبک مطلب، زمان انتشار مطلب، نام نشریه محل انتشار مطلب، عنصر برجسته‌شده در لید مطلب، موضوع مطلب، جهت‌گیری پلیس در مطلب، مضمون مطلب حاکی از معطوف بودن پلیس به حل مشکلات خود یا جامعه، مطالبه از پلیس در مطلب، نوع مطالبه از پلیس در مطلب، نقش پلیس در مطلب، شیوه نقد پلیس در مطلب، مضمون مطلب حاکی از وجود شکاف بین پلیس و مردم، مضمون مطلب حاکی از شناسایی دقیق حقوق شهروندان و اصرار بر رعایت آن توسط پلیس، مضمون مطلب آموزش مردمی و فرهنگ سازی، مضمون مطلب تأکید بر مشارکت مردم با پلیس یا نقش مردم در امنیت، مضمون مطلب توجه پلیس به نیازها و تقاضاهای مردم، مضمون مطلب توجه داشتن پلیس به تامین امنیت دولتمردان، شیوه پاسخ یا مواجهه پلیس با پدیده‌ها، مضمون مطلب لزوم (یا وجود) نظارت مردم بر عملکرد پلیس، مضمون مطلب حضور اجتماعی پلیس در متن جامعه، مضمون مطلب مددکاری پلیس برای حل مشکلات اجتماعی، مضمون مطلب پیشگیرانه بودن رفتارهای پلیس، مضمون مطلب رعایت منافع و حرمت مردم توسط پلیس، مضمون مطلب انعکاس خواسته‌های مردم به پلیس، نوع رابطه نشان داده شده از پلیس در مطالب (با جامعه، با مراجعان یا متقاضیان خدمات پلیسی، با منابع اطلاعاتی یا دولتی، یا روابط درون سازمانی و بین انواع مختلف نقش‌ها)، مضمون

مطلب سرعت عمل و حضور به موقع پلیس در صحنه عمل، مضمون مطلب حاکی از صحت عمل پلیس در اجرای قانون و اعمال مقررات، به کارگیری شیوه‌های علمی در کشف جرم یا اعمال قانون توسط پلیس، مضمون مطلب تخصصی بودن حوزه‌های عمل و ساختار پلیس، مضمون مطلب نظم و انضباط فردی یا سازمانی پلیس، مضمون مطلب تخصص‌گرایی در سازمان پلیس، مضمون مطلب مناسب و برازنده بودن لباس، علائم و نشان‌های سازمانی پلیس، مضمون مطلب رعایت آداب معاشرت و حسن رفتار چپلیس.

عناوین زیرمقوله‌ها و طرح کدگذاری در انتهای مقاله آورده شده است.

روش تحلیل اطلاعات و آزمون فرضیه‌ها

۲۰۱۷ مطلب جمع‌آوری شده از روزنامه‌ها بر اساس دستورالعمل، کدگذاری و وارد رایانه شدند. این داده‌ها با استفاده از بسته نرم افزار آماری SPSS طبقه‌بندی و تحلیل شدند. از آزمون آماری «کای اسکویر» برای آزمون فرضیه‌ها (تعیین معنادار بودن تفاوت بین دوره‌های زمانی مورد بررسی) استفاده شده است.

نحوه محاسبه روایی و پایایی تحقیق

برای اطمینان از این که زیرمقوله‌های تحقیق به اندازه کافی واضح، صریح و دقیق هستند، دو کدگذار آموزش دیدند و صحت عمل کدگذاری آنان از طریق کنترل انتساب عناصر واحد به مقوله‌های واحد در زمان‌های مختلف، با استفاده از فرمول ویلیام اسکات (William Scott) آزموده شد. بدین منظور بعد از کدگذاری مرحله اول، ده درصد از مطالب مربوط به متغیرهای «جهت‌گیری پلیس در مطلب»، «نقش پلیس در

مطلب»، «سبک مطلب»، و «نوع نقد» توسط کدگذار دوم مجدداً کدگذاری شد. سپس درصد توافق بین دو مرحله کدگذاری محاسبه گردید و درصد توافق مورد انتظار نیز از مجموع مجذورات درصدهای زیرمقوله‌ها به دست آمد و با قرار دادن درصدهای توافق مشاهده شده و مورد انتظار در فرمول اسکات، ضریب قابلیت اعتماد برای این مقوله‌ها حدود ۷۶ درصد به دست آمد. چون میزان به دست آمده برای هر چهار متغیر مورد سنجش بیش از ۷۰ درصد بود، بنابراین می‌توان به طور نسبی به عینیت تحقیق اطمینان کرد.

یافته‌های تحقیق

الف) نتایج آزمون فرضیه‌ها

فرضیه اول: بین دوره‌های مورد بررسی، از نظر اقتدار ارائه‌شده از پلیس در مطالب مطبوعات، تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

نتیجه آزمون فرضیه نشان می‌دهد که بین دوره‌های مورد بررسی از نظر میزان اقتدار ارائه شده از پلیس در مطالب تفاوت معنی‌دار وجود دارد. در دوره اول تصویر مطبوعاتی از پلیس، نمایانگر پلیسی کم اقتدار، در دوره دوم نمایانگر پلیسی با اقتدار متوسط، در دوره سوم نمایانگر پلیسی با اقتدار نسبتاً زیاد، در دوره چهارم نمایانگر پلیسی با اقتدار نسبتاً کم و در دوره پنجم نمایانگر پلیسی با اقتدار کم و خیلی کم بوده است. در مجموع، میزان اقتدار نشان داده شده از پلیس در مطالب روزنامه‌ها در ۱۳/۱ درصد از موارد در حد «زیاد» یا «خیلی زیاد»، در ۴۱/۴ درصد از موارد در حد «متوسط»، و در ۴۵/۴ درصد از موارد در حد «کم» یا «خیلی کم» بوده است (جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱ - مقایسه مطالب بر حسب میزان اقتدار ارائه شده از پلیس در دوره‌های زمانی مختلف

دوره‌های زمانی مورد بررسی						میزان اقتدار ارائه شده از پلیس	
جمع	۱۳۸۰-۱۳۸۱	۱۳۵۶	۱۳۳۲-۱۳۳۴	۱۳۲۰-۱۳۲۱	۱۳۰۱-۱۳۰۲		
۵	۰	۲	۳	۰	۰	تعداد	خیلی
۱۰۰	۰	۴۰	۶۰	۰	۰	درصدسطری	زیاد
۰/۲	۰	۰/۴	۰/۵	۰	۰	درصدستونی	
۲۶۰	۱۵	۵۴	۱۳۹	۵۲	۰	تعداد	زیاد
۱۰۰	۵/۸	۲۰/۸	۵۳/۵	۲۰	۰	درصدسطری	
۱۲/۹	۲/۸	۱۱/۹	۲۳/۷	۲۳/۷	۰	درصدستونی	
۸۳۶	۹۶	۲۱۱	۳۶۰	۱۵۸	۱۱	تعداد	متوسط
۱۰۰	۱۱/۵	۲۵/۲	۴۳/۱	۱۸/۹	۱/۳	درصدسطری	
۴۱/۴	۱۷/۷	۴۶/۴	۶۱/۴	۷۲/۱	۵	درصدستونی	
۶۳۳	۲۸۷	۱۷۳	۸۲	۹	۸۲	تعداد	کم
۱۰۰	۴۵/۳	۲۷/۳	۱۳	۱/۴	۱۳	درصدسطری	
۳۱/۴	۵۳	۳۸/۳	۱۴	۴/۱	۳۷/۶	درصدستونی	
۲۸۳	۱۴۴	۱۲	۲	۰	۱۲۵	تعداد	خیلی کم
۱۰۰	۵۰/۹	۴/۲	۰/۷	۰	۴۴/۲	درصدسطری	
۱۴	۲۶/۶	۲/۷	۰/۳	۰	۵۷/۳	درصدستونی	
۲۰۱۷	۵۴۲	۴۵۲	۵۸۶	۲۱۹	۲۱۸	تعداد	جمع
۱۰۰	۲۶/۹	۲۲/۴	۲۹/۱	۱۰/۹	۱۰/۸	درصدسطری	
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصدستونی	

$$X^2 = ۱۱۰۳$$

$$d.f = ۱۶$$

$$P < ۰/۰۰۱$$

فرضیه دوم: بین دوره‌های مورد بررسی، از نظر میزان انعکاس مطالبه‌های مردم از پلیس در مطبوعات، تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

نتیجه آزمون فرضیه نشان می‌دهد که بین دوره‌های مورد بررسی از نظر میزان انعکاس مطالبه‌های مردم از پلیس در مطالب مطبوعات تفاوت معنی‌دار وجود دارد. در مجموع در ۸/۱۹ درصد از مطالب مورد بررسی، خواسته‌های مردم از پلیس در مطبوعات انعکاس یافته است، اما نسبت آن در دوره‌های مختلف تفاوت دارد. در مقایسه با دوره‌های دیگر، بیش‌ترین حجم خواسته‌ها مربوط به دوره چهارم و کم‌ترین آن‌ها مربوط به دوره اول است. در طول دوره‌های مختلف با گذشت زمان به طور مستمر بر حجم مطالبات مردم از پلیس در مطبوعات افزوده شده و فقط دوره پنجم نسبت به دوره چهارم کاهش نشان می‌دهد (جدول شماره ۲).

جدول شماره ۲- مقایسه مطالب بر حسب مطالبه از پلیس در دوره‌های زمانی مختلف

دوره‌های زمانی مورد بررسی						مطالبه از پلیس در مطلب	
جمع	۱۳۸۰-۱۳۸۱	۱۳۵۶	۱۳۳۲-۱۳۳۴	۱۳۲۰-۱۳۲۱	۱۳۰۱-۱۲۹۹		
۳۹۵	۱۰۱	۱۳۱	۱۱۸	۳۳	۱۲	تعداد	بلی
۱۰۰	۲۵/۶	۳۳/۲	۲۹/۹	۸/۴	۳	درصدسطری	
۱۹/۶	۱۸/۶	۲۹	۲۰/۱	۱۵/۱	۵/۵	درصدستونی	
۱۶۲۲	۴۴۱	۳۲۱	۴۶۸	۱۸۶	۲۰۶	تعداد	خیر
۱۰۰	۲۷/۲	۱۹/۸	۲۸/۹	۱۱/۵	۱۲/۷	درصدسطری	
۸۰/۴	۸۱/۴	۷۱	۷۹/۹	۸۴/۹	۹۴/۵	درصدستونی	
۲۰۱۷	۵۴۲	۴۵۲	۵۸۶	۲۱۹	۲۱۸	تعداد	جمع
۱۰۰	۲۶/۹	۲۲/۴	۲۹/۱	۱۰/۹	۱۰/۸	درصدسطری	
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصدستونی	

$$X^2 = ۵۶$$

$$d.f = ۴$$

$$P < ۰/۰۰۱$$

فرضیه سوم: بین دوره‌های مورد بررسی، از نظر نوع مطالبات مردم از پلیس، تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

نتیجه آزمون فرضیه نشان می‌دهد که بین دوره‌های مورد بررسی از نظر نوع مطالبات مردم از پلیس در مطالب تفاوت معنی‌دار وجود دارد. درباره نوع مطالبات مردم از پلیس، خواسته‌های غالب به ترتیب اولویت عبارتند از: پاسخ‌گویی به نیازهای امنیتی، نظارت بر اجرای قانون، و ارائه خدمات انتظامی. نسبت این مطالبات در دوره‌های مختلف متفاوت است. نسبت مطالبات مربوط به «پاسخ‌گویی به نیازهای امنیتی» در دوره‌های اول و دوم بیش‌تر از دوره‌های دیگر است و در خصوص «نظارت بر اجرای قانون» و «ارائه خدمات انتظامی»، در دوره چهارم بیش‌ترین حجم مطالبات مشاهده می‌شوند (جدول شماره ۳).

جدول شماره ۳- مقایسه مطالب بر حسب نوع مطالبه از پلیس در دوره‌های زمانی مختلف

دوره‌های زمانی مورد بررسی						نوع مطالبه از پلیس	
جمع	۱۳۸۰-۱۳۸۱	۱۳۵۶	۱۳۳۲-۱۳۳۴	۱۳۲۰-۱۳۲۱	۱۳۰۱-۱۳۰۲		
۱۱۲	۵۱	۱۷	۱۵	۲۲	۷	تعداد	پاسخ‌گویی
۱۰۰	۴۵/۵	۱۵/۲	۱۳/۴	۱۹/۶	۶/۳	درصدسطری	به‌نیازهای
۲۷/۳	۴۸/۶	۱۲/۶	۱۲/۱	۶۴/۷	۵۸/۳	درصدستونی	امنیتی
۸۴	۲۳	۴۵	۱۱	۴	۱	تعداد	ارائه
۱۰۰	۲۷/۴	۵۳/۶	۱۳/۱	۴/۸	۱/۲	درصدسطری	خدمات
۲۰/۵	۲۱/۹	۳۳/۳	۸/۹	۱۱/۸	۸/۳	درصدستونی	انتظامی
۱۰۳	۲۱	۵۲	۲۲	۵	۳	تعداد	نظارت بر
۱۰۰	۲۰/۴	۵۰/۵	۲۱/۴	۴/۹	۲/۹	درصدسطری	اجرای
۲۵/۱	۲۰	۳۸/۵	۱۷/۷	۱۴/۷	۲۵	درصدستونی	قانون

ادامه جدول شماره ۳

دوره‌های زمانی مورد بررسی						نوع مطالبه از پلیس	
جمع	۱۳۸۰-۱۳۸۱	۱۳۵۶	۱۳۳۲-۱۳۳۴	۱۳۲۰-۱۳۲۱	۱۳۰۱-۱۳۰۲		
۱۱۱	۱۰	۲۱	۷۶	۳	۱	تعداد	
۱۰۰	۹	۱۸/۹	۶۸/۵	۲/۷	۹	درصدسطری	سایر
۲۷/۱	۹/۵	۱۵/۶	۶۱/۳	۸/۸	۸/۳	درصدستونی	
۴۱۰	۱۰۵	۱۳۵	۱۲۴	۳۴	۱۲	تعداد	
۱۰۰	۲۵/۶	۳۲/۹	۳۰/۲	۸/۳	۲/۹	درصدسطری	جمع
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصدستونی	

$$X^2 = 174 \quad d.f = 12 \quad P < 0/001$$

فرضیه چهارم: بین دوره‌های مورد بررسی، از نظر جهت‌گیری پلیس در مطالب مطبوعات (به طرفداری از دولتمردان یا به طرفداری از مردم) تفاوت معنی‌دار وجود دارد. نتیجه آزمون فرضیه نشان می‌دهد که بین دوره‌های مورد بررسی از نظر جهت‌گیری پلیس در مطالب تفاوت معنی‌دار وجود دارد. در مجموع در ۵/۱۶ درصد از مطالب مورد بررسی، موضع پلیس «به طرفداری از دولتمردان»، در ۹/۶۸ درصد از آنها «به طرفداری از مردم» و در ۶/۱۴ درصد موارد «هم به طرفداری از دولتمردان و هم به طرفداری از مردم» بوده است. ولی نسبت این جهت‌گیری‌ها در دوره‌های مختلف با یکدیگر تفاوت داشته‌اند.

در مقایسه با دوره‌های دیگر، دوره پنجم مقطعی است که مطالب حاکی از جهت‌گیری پلیس «به طرفداری از مردم» بیش‌تر دیده شده است. برعکس، در دوره سوم حجم مطالبی که جهت‌گیری پلیس را «به طرفداری از دولتمردان» نشان می‌دهد

بیشتر بوده است (جدول شماره ۴).

جدول شماره ۴ - مقایسه مطالب بر حسب جهت‌گیری پلیس در دوره‌های زمانی مختلف

دوره‌های زمانی مورد بررسی						جهت‌گیری پلیس در مطلب	
جمع	۱۳۸۰-۱۳۸۱	۱۳۵۶	۱۳۳۲-۱۳۳۴	۱۳۲۰-۱۳۲۱	۱۳۰۱-۱۳۰۲		
۱۲۴	۳۵	۷	۵۶	۸	۱۸	تعداد	به طرفداری
۱۰۰	۲۸/۲	۵/۶	۴۵/۲	۶/۵	۱۴/۵	درصدسطری	از
۱۶/۵	۱۳/۸	۴/۸	۲۴/۶	۲۲/۲	۲۰/۷	درصدستونی	دولتمردان
۵۱۶	۱۸۳	۱۱۹	۱۴۱	۱۰	۶۳	تعداد	به طرفداری
۱۰۰	۳۵/۵	۲۳/۱	۲۷/۳	۱/۹	۱۲/۲	درصدسطری	از مردم
۶۸/۹	۷۲/۳	۸۲/۱	۶۱/۸	۲۷/۸	۷۲/۴	درصدستونی	
۱۰۹	۳۵	۱۹	۳۱	۱۸	۶	تعداد	هر دو
۱۰۰	۳۲/۱	۱۷/۴	۲۸/۴	۰/۹	۵/۵	درصدسطری	مورد
۱۴/۶	۱۳/۸	۱۳/۱	۱۳/۶	۵۰	۶/۹	درصدستونی	
۷۴۹	۲۵۳	۱۴۶	۲۲۸	۳۶	۸۷	تعداد	
۱۰۰	۳۳/۸	۱۹/۴	۳۰/۴	۴/۸	۱۱/۶	درصدسطری	جمع
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصدستونی	

$$X^2 = 112 \quad d.f = 8 \quad P < 0.001$$

فرضیه پنجم: بین دوره‌های مورد بررسی، از نظر جامعه‌محور یا تهدیدمحور بودن رویکرد پلیس به امنیت در مطالب مطبوعات، تفاوت معنی‌دار وجود دارد. نتیجه آزمون فرضیه نشان می‌دهد که بین دوره‌های مورد بررسی از نظر

جامعه‌گرایی یا تهدیدگرایی ارائه شده از رویکرد پلیس در مطالب تفاوت معنی‌دار وجود دارد. در مجموع در دوره‌های مورد بررسی، رویکرد غالب به نمایش درآمده از پلیس در مطبوعات، رویکردی «تهدیدگرا» یا «متماایل به تهدیدگرا» است، اما سطح جامعه‌گرایی و تهدیدگرایی ارائه شده در مطبوعات دوره‌های مختلف، متفاوت است: تصویر مطبوعاتی از رویکرد پلیس، در دوره اول عمدتاً تهدیدگرا و متمایل به تهدیدگرا، در دوره دوم عمدتاً متمایل به تهدیدگرا، در دوره سوم متمایل به تهدیدگرا و تهدیدگرا، در دوره چهارم تهدیدگرا یا متمایل به تهدیدگرا و در دوره پنجم تهدیدگرا و یا متمایل به تهدیدگرا است (جدول شماره ۵).

جدول شماره ۵- مقایسه مطالب بر حسب میزان جامعه‌گرایی یا تهدیدگرایی ارائه شده از رویکرد

پلیس در دوره‌های زمانی مختلف

دوره‌های زمانی مورد بررسی						سطح جامعه‌گرایی تا تهدیدگرایی	
جمع	۱۳۸۰-۱۳۸۱	۱۳۵۶	۱۳۳۲-۱۳۳۴	۱۳۲۰-۱۳۲۱	۱۳۰۱-۱۳۰۲	ارائه شده از رویکرد پلیس	
۷۹	۲۷	۲۵	۱۸	۹	۰	تعداد	
۱۰۰	۳۴/۲	۳۱/۶	۲۲/۸	۱۱/۴	۰	درصدسطری	جامعه‌گرا
۳/۹	۵	۵/۵	۳/۱	۴/۱	۰	درصدستونی	
۳۴۶	۷۴	۹۲	۱۳۱	۴۶	۳	تعداد	متماایل
۱۰۰	۲۱/۴	۲۶/۶	۳۷/۹	۱۳/۳	۰/۹	درصدسطری	به
۱۷/۲	۱۳/۷	۲۰/۴	۲۲/۴	۲۱	۱/۴	درصدستونی	جامعه‌گرا
۶۳۳	۱۲۱	۱۳۵	۲۳۲	۱۲۱	۲۴	تعداد	متماایل
۱۰۰	۱۹/۱	۲۱/۳	۳۶/۷	۱۹/۱	۳/۸	درصدسطری	به
۳۱/۴	۲۲/۳	۲۹/۹	۳۹/۶	۵۵/۳	۱۱	درصدستونی	تهدیدگرا

ادامه جدول شماره ۵

دوره‌های زمانی مورد بررسی						سطح جامعه‌گرایی تا تهدیدگرایی	
جمع	۱۳۸۰-۱۳۸۱	۱۳۵۶	۱۳۳۲-۱۳۳۴	۱۳۲۰-۱۳۲۱	۱۳۰۱-۱۳۰۲	ارائه شده از رویکرد پلیس	
۸۷۹	۲۹۲	۱۹۱	۲۰۴	۴۳	۱۴۹	تعداد	تهدیدگرا
۱۰۰	۳۳/۲	۲۱/۷	۲۳/۲	۴/۹	۱۷	درصدسطری	
۴۳/۶	۵۳/۹	۴۲/۳	۳۴/۸	۱۹/۶	۶۸/۳	درصدستونی	
۸۰	۲۸۷	۹	۱	۰	۴۲	تعداد	بسیار تهدیدگرا
۱۰۰	۳۵	۱۱/۳	۱/۳	۰	۵۲/۵	درصدسطری	
۴	۵/۲	۲	۰/۲	۰	۱۹/۳	درصدستونی	
۲۰۱۷	۵۴۲	۴۵۲	۵۸۶	۲۱۹	۲۱۸	تعداد	جمع
۱۰۰	۲۶/۹	۲۲/۴	۲۹/۱	۱۰/۹	۱۰/۸	درصدسطری	
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصدستونی	

$$X^2 = ۴۰.۷ \quad d.f = ۱۶ \quad P < ۰/۰۰۱$$

فرضیه ششم: بین دوره‌های مورد بررسی از نظر نوع رابطه نشان داده شده از پلیس در مطبوعات تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

نتیجه آزمون فرضیه نشان می‌دهد که بین دوره‌های مورد بررسی از نظر نوع رابطه ارائه شده از پلیس در مطالب مطبوعات تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

در دوره‌های دوم و چهارم بیش از سه دوره دیگر رابطه پلیس با مراجعان و متقاضیان خدمات انتظامی در مطبوعات نشان داده شده است. در دوره پنجم رابطه پلیس با منابع اطلاعاتی یا دولتی، نسبت به دوره‌های قبل از آن بیش‌تر نشان داده شده است. روابط درون‌سازمانی پلیس، در مطبوعات دوره‌های اول تا سوم نسبتاً زیاد نمایش داده شده

ولی از دوره چهارم به بعد تنزل زیادی یافته است (جدول شماره ۶).

جدول شماره ۶ - مقایسه مطالب بر حسب رابطه ارائه شده از پلیس در دوره‌های زمانی مختلف

دوره‌های زمانی مورد بررسی						رابطه ارائه شده	
جمع	۱۳۸۰-۱۳۸۱	۱۳۵۶	۱۳۳۲-۱۳۳۴	۱۳۲۰-۱۳۲۱	۱۳۰۱-۱۳۰۲	از پلیس در مطبوعات	
۸۵۲	۲۹۰	۲۱۲	۲۳۸	۸	۱۰۴	تعداد	رابطه
۱۰۰	۳۴	۲۴/۹	۲۷/۹	۰/۹	۱۲/۲	درصدسطری	با
۴۷/۸	۴۶/۲	۵۶/۱	۴۷/۲	۱۲/۹	۵۰	درصدستونی	جامعه
۲۱۷	۷۵	۹۲	۳۰	۱۵	۵	تعداد	رابطه با مراجعان
۱۰۰	۳۴/۶	۴۲/۴	۱۳/۸	۶/۹	۲/۳	درصدسطری	و متقاضیان
۱۲/۲	۱۱/۹	۲۴/۳	۶	۲۴/۲	۲/۴	درصدستونی	خدمات
۳۰۲	۱۸۸	۳۶	۴۶	۷	۲۵	تعداد	رابطه با
۱۰۰	۶۲/۳	۱۱/۹	۱۵/۲	۲/۳	۸/۳	درصدسطری	منابع اطلاعاتی
۱۷	۲۹/۹	۹/۵	۹/۱	۱۱/۳	۱۲	درصدستونی	یا دولتی
۴۰۹	۷۵	۳۸	۱۹۰	۳۲	۷۴	تعداد	رابطه
۱۰۰	۱۸/۳	۹/۳	۴۶/۵	۷/۸	۱۸/۱	درصدسطری	درون سازمانی
۲۳	۱۱/۹	۱۰/۱	۳۷/۷	۵۱/۶	۳۵/۶	درصدستونی	
۱۷۸۰	۶۲۸	۳۷۸	۵۰۴	۶۲	۲۰۸	تعداد	جمع
۱۰۰	۳۵/۳	۲۱/۲	۲۸/۳	۳/۵	۱۱/۷	درصدسطری	
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصدستونی	

$$X^2 = ۳۴۹/۲$$

$$d.f = ۱۲$$

$$P < ۰/۰۰۱$$

فرضیه هفتم: بین دوره‌های مورد بررسی از نظر شیوه پاسخ یا رویارویی پلیس با پدیده‌ها تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

نتیجه آزمون فرضیه نشان می‌دهد که بین دوره‌های مورد بررسی از نظر شیوه پاسخگویی پلیس به پدیده‌ها و پیام‌ها در مطالب مطبوعات تفاوت معنی‌دار وجود دارد. در دوره‌های اول و پنجم، در مقایسه با دوره‌های دوم تا چهارم، پاسخ‌های پلیس به پدیده‌های اجتماعی و پیام‌های مردمی بیش‌تر از موضع نقد، تحلیل و اصلاح بوده است. بیش‌ترین پاسخ‌های نقادانه، تحلیلی و اصلاحی مربوط به دوره پنجم و بیش‌ترین پاسخ‌های مبتنی بر ستیز، حذف و طرد پدیده‌ها و پیام‌ها مربوط به دوره دوم است (جدول شماره ۷).

جدول شماره ۷- مقایسه متقاطع مطالب بر حسب شیوه پاسخگویی پلیس به پدیده‌ها در دوره‌های

زمانی مختلف

دوره‌های زمانی مورد بررسی						شیوه پاسخگویی پلیس به پدیده‌ها و پیام‌های مردمی	
جمع	۱۳۸۰-۱۳۸۱	۱۳۵۶	۱۳۳۲-۱۳۳۴	۱۳۲۰-۱۳۲۱	۱۳۰۱-۱۳۰۲	تعداد	ستیز
۹۸	۳۹	۳۲	۱۶	۳	۸	درصدسطری	حذف و
۱۰۰	۳۹/۸	۳۲/۷	۱۶/۳	۳/۱	۸/۲	درصدستونی	طرد پدیده
۱۶/۲	۱۱/۷	۲۳	۲۲/۵	۲۵	۱۵/۷	تعداد	نقادانه،
۵۰۸	۲۹۴	۱۰۷	۵۵	۹	۴۳	درصدسطری	تحلیلی و
۱۰۰	۵۷/۹	۲۱/۱	۱۰/۸	۱/۸	۸/۵	درصدستونی	اصلاحی
۸۳/۸	۸۸/۳	۷۷	۷۷/۵	۷۵	۸۴/۳	تعداد	جمع
۱۰۰	۶۰۶	۳۳۳	۷۱۱۳۹	۱۲	۵۱	درصدسطری	
۱۰۰	۵۵	۲۲/۹	۱۱/۷	۲	۸/۴	درصدستونی	
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰		

$$X^2 = 12/52$$

$$d.f = 4$$

$$P < 0/001$$

فرضیه هشتم: بین دوره‌های مورد بررسی از نظر شیوه نقد پلیس در مطالب تفاوت معنی دار وجود دارد.

نتیجه آزمون فرضیه نشان می‌دهد که بین دوره‌های مورد بررسی از نظر شیوه نقد پلیس در مطالب مطبوعات تفاوت معنی دار وجود دارد. در کل، ۴/۱۴ درصد از نقدهای مطبوعات مورد بررسی از پلیس جنبه «مخرب» و ۶/۸۵ درصد از آن‌ها جنبه «غیرمخرب» داشته‌اند، اما نسبت این دو، در دوره‌های مختلف تفاوت دارد. در دوره اول پنج درصد، در دوره دوم ۴/۳۴ درصد، در دوره سوم ۷ درصد، در دوره چهارم ۶/۱۴ درصد و در دوره پنجم ۱/۹ درصد از نقدها ویژگی «مخرب» داشته‌اند. بنابراین بیش‌ترین نقدهای مطبوعاتی از پلیس با ویژگی «مخرب» مربوط به دوره دوم است (جدول شماره ۸).

جدول شماره ۸- مقایسه مطالب بر حسب شیوه نقد پلیس در دوره‌های زمانی مختلف

دوره‌های زمانی مورد بررسی						شیوه نقد پلیس	
جمع	۱۳۸۰-۱۳۸۱	۱۳۵۶	۱۳۳۲-۱۳۳۴	۱۳۲۰-۱۳۲۱	۱۳۰۱-۱۳۰۲		
۸۴	۲۲	۲۳	۵	۳۳	۱	تعداد	مخرب
۱۰۰	۲۶/۲	۲۷/۴	۶	۳۹/۳	۱/۲	درصدسطری	
۱۴/۴	۹/۲	۱۴/۶	۷	۳۳/۷	۵	درصدستونی	
۵۰۱	۲۱۷	۱۳۴	۶۶	۶۵	۱۹	تعداد	غیرمخرب
۱۰۰	۴۳/۳	۲۶/۷	۱۳/۲	۱۳	۳/۸	درصدسطری	
۸۵/۶	۹۰/۸	۸۵/۴	۹۳	۶۶/۳	۹۵	درصدستونی	
۵۸۵	۲۳۹	۱۵۷	۷۱	۹۸	۲۰	تعداد	جمع
۱۰۰	۴۰/۹	۲۶/۸	۱۲/۱	۱۶/۸	۳/۴	درصدسطری	
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصدستونی	

$$X^2 = ۳۹/۴۲$$

$$d.f = ۴$$

$$P < ۰/۰۰۱$$

ب) سایر یافته‌ها

۱- موضوع مطالب در دوره‌های مورد بررسی

موضوعات مطالب در دوره‌های مختلف، به میزانی متفاوت مطرح شده‌اند. در دوره اول، «خبر یا گزارش حادثه»، در دوره دوم «تغییرات سازمانی یا انتصابات در پلیس»، در دوره سوم «خبر و گزارش از اقدامات پلیس»، در دوره چهارم «اعلامیه‌ها، جوابیه‌ها و هشدارهای پلیس» و در دوره پنجم «مصاحبه‌ها و اظهارنظرهای پلیس» در رأس موضوعات مربوط به پلیس قرار داشته‌اند. به عبارت دیگر در دو دوره آخر، پلیس از حالت انفعالی بیرون آمده و سعی نموده تا از طریق مصاحبه، اعلامیه و جوابیه، بیش‌تر از آن که درباره‌اش مطلب نوشته شود، خود در صحبت با جامعه ابتکار عمل را در دست گیرد. در مجموع، در طول دوره‌های مورد بررسی، «اعلامیه‌ها، جوابیه‌ها و هشدارهای پلیس» حجم بیش‌تری از موضوعات را شامل می‌شود و پس از آن، «خبر و گزارش از اقدامات پلیس» و «مصاحبه با پلیس یا اظهارنظر پلیس» قرار دارند (جدول شماره ۹).

۲- سبک ارائه مطالب در دوره‌های مورد بررسی

به طور کلی در روزنامه‌های مورد بررسی، بیش‌ترین مطالب به صورت خبر و گزارش منتشر شده‌اند، اما در میزان استفاده از سبک‌های مختلف بین دوره‌های مختلف مورد بررسی، تفاوت وجود دارد. گرچه خبر و گزارش اصلی‌ترین سبک‌های ارائه مطلب در دوره‌های مورد بررسی بوده‌اند، اما از نظر میزان استفاده از این سبک‌ها، دوره اول مقطعی است که بیش‌ترین مورد استفاده از سبک گزارش در آن رایج است و برعکس در دوره دوم استفاده از سبک خبر بیش‌ترین مورد استفاده را داشته است. در دوره پنجم نسبت به سایر دوره‌ها، مقاله، تفسیر و اظهارنظرهای بیش‌تری درباره پلیس در مطبوعات وجود داشته است (جدول شماره ۱۰).

جدول شماره ۹- مقایسه مطالب بر حسب موضوع در دوره‌های زمانی مختلف

دوره‌های زمانی مورد بررسی						موضوع مطلب	
جمع	۱۳۸۰-۱۳۸۱	۱۳۵۶	۱۳۳۲-۱۳۳۴	۱۳۲۰-۱۳۲۱	۱۳۰۱-۱۳۰۲		
۴۱۸	۱۱۰	۱۳۶	۱۲۱	۳۸	۱۳	تعداد	اعلامیه، جوابیه
۱۰۰	۲۶/۳	۳۲/۵	۲۸/۹	۹/۱	۳/۱	درصدسطری	و هشدار
۲۰/۷	۲۰/۲	۳۰/۱	۲۰/۶	۱۷/۵	۶	درصدستونی	پلیس
۳۲۳	۲۵۲	۴۶	۲۲	۰	۳	تعداد	مصاحبه و
۱۰۰	۷۸	۱۴/۲	۶/۸	۰	۰/۹	درصدسطری	اظهار نظر
۱۶	۴۶/۳	۱۰/۲	۳/۸	۰	۱/۴	درصدستونی	پلیس
۱۴۳	۰	۹	۵۳	۴۹	۳۲	تعداد	تغییرات
۱۰۰	۰	۶/۳	۳۷/۱	۳۴/۳	۲۲/۴	درصدسطری	سازمانی
۷/۱	۰	۲	۹	۲۲/۶	۱۴/۷	درصدستونی	انتصابات
۱۹۱	۶۸	۳۷	۴۳	۲۳	۲۰	تعداد	گزارش
۱۰۰	۳۵/۶	۱۹/۴	۲۲/۵	۱۲	۱۰/۵	درصدسطری	روزنامه از
۹/۵	۱۲/۵	۸/۲	۷/۳	۱۰/۶	۹/۲	درصدستونی	وضعیت پلیس
۳۶۹	۳۸	۷۹	۱۴۹	۶۳	۴۰	تعداد	خبر و گزارش
۱۰۰	۱۰/۳	۲۱/۴	۴۰/۴	۱۷/۱	۱۰/۸	درصدسطری	از اقدامات
۱۸/۳	۷	۱۷/۵	۲۵/۴	۲۹	۱۸/۳	درصدستونی	پلیس
۲۷۲	۴۱	۹۶	۱۰۷	۲۰	۸	تعداد	اعلام یا
۱۰۰	۱۵۱/۱	۳۵/۳	۳۹/۳	۷/۴	۲/۹	درصدسطری	خطاب به
۱۳/۵	۷/۵	۲۱/۲	۱۸/۳	۹۲	۳/۷	درصدستونی	پلیس
۲۲۰	۲۸	۲۲	۵۸	۱۷	۹۵	تعداد	خبر یا
۱۰۰	۱۲/۷	۱۰	۲۶/۴	۷/۷	۴۳/۲	درصدسطری	گزارش حادثه
۱۰/۹	۵/۱	۴/۹	۹/۹	۷/۸	۴۳/۶	درصدستونی	
۸۱	۷	۲۷	۳۳	۷	۷	تعداد	سایر
۱۰۰	۸/۶	۳۳/۳	۴۰/۷	۸/۶	۸/۶	درصدسطری	موارد
۴	۱/۳	۶	۵/۶	۳/۲	۳/۲	درصدستونی	پلیس
۲۰۱۷	۵۴۴	۴۵۲	۵۸۶	۲۱۷	۲۱۸	تعداد	جمع
۱۰۰	۲۷	۲۲/۴	۲۹/۱	۱۰/۸	۱۰/۸	درصد ستونی	

$$X^2 = ۱۰۳۹/۷۷۹$$

$$d.f = ۲۸$$

$$P < ۰/۰۰۱$$

جدول شماره ۱۰ - توزیع متقاطع مطالب بر حسب سبک مطلب در دوره‌های زمانی مختلف

دوره‌های زمانی مورد بررسی						سبک مطلب	
جمع	۱۳۸۰-۱۳۸۱	۱۳۵۶	۱۳۳۲-۱۳۳۴	۱۳۲۰-۱۳۲۱	۱۳۰۱-۱۳۰۲		
۷۶۰	۱۴۰	۱۴۰	۲۵۵	۱۳۲	۹۳	تعداد	خبر
۱۰۰	۱۸/۴	۱۸/۴	۳۳/۶	۱۷/۴	۱۲/۲	درصدسطری	
۳۷/۷	۲۵/۷	۳۱	۴۳/۵	۶۰/۸	۴۲/۷	درصدستونی	
۴۹۴	۱۴۲	۱۱۳	۱۱۵	۱۳	۱۱۱	تعداد	گزارش
۱۰۰	۲۸/۷	۲۲/۹	۲۳/۳	۲۶	۲۲/۵	درصدسطری	
۲۴/۵	۲۶/۱	۲۵	۱۹/۶	۶	۵۰/۹	درصدستونی	
۱۹۹	۱۲۴	۲۶	۱۸	۲۸	۳	تعداد	مصاحبه
۱۰۰	۶۲/۳	۱۳/۱	۹	۱۴/۱	۱/۵	درصدسطری	
۹/۹	۲۲/۸	۵/۸	۳/۱	۱۲/۹	۱/۴	درصدستونی	
۱۴۹	۷۷	۵۱	۶	۱۰	۵	تعداد	مقاله تفسیر و اظهارنظر
۱۰۰	۵۱/۷	۳۴/۲	۴	۶/۷	۳/۴	درصدسطری	
۷/۴	۱۴/۲	۱۱/۳	۱	۴/۶	۲/۳	درصدستونی	
۴۱۵	۶۱	۱۲۲	۱۹۲	۳۴	۱	تعداد	سایر
۱۰۰	۱۴/۷	۲۹/۴	۴۶/۳	۸/۲	۶/۴	درصدسطری	
۲۰/۶	۱۱/۲	۲۷	۳۲/۸	۱۵/۷	۲/۸	درصدستونی	
۲۰۱۷	۵۴۴	۴۵۲	۵۸۶	۲۱۷	۲۱۸	تعداد	جمع
۱۰۰	۲۷	۲۲/۴	۲۹/۱	۱۰/۸	۱۰/۸	درصدسطری	
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصدستونی	

$$X^2 = 50.3/433$$

$$d.f = 16$$

$$P < 0.001$$

۳- نقش‌های ارائه‌شده از پلیس در مطالب

میزان نقش‌های ارائه‌شده از پلیس در دوره‌های مختلف تفاوت داشته است. در دوره اول، بیش‌ترین نقش‌های مشاهده شده، نقش «اقدام‌کننده» (۸/۵۳ درصد) و پس از آن «موضوع اقدام» (۶/۲۳ درصد) است. در دوره دوم، بیش‌ترین نقش‌ها به ترتیب «موضوع اقدام» (۸/۳۹ درصد) و «اقدام‌کننده» (۶/۲۵ درصد) بوده است. در دوره سوم، نقش‌های «اقدام‌کننده» (۴/۲۷ درصد) و «موضوع اقدام» (۸/۲۴ درصد) بیش‌تر مشاهده شده‌اند. در دوره چهارم، نقش «اقدام‌کننده» (۹/۲۷ درصد) و نقش «بیان‌کننده و اقدام‌کننده» (با ۱/۲۶ درصد) بیش‌ترین نقش‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. در دوره پنجم، نقش «بیان‌کننده و اقدام‌کننده» (با ۱/۳۹ درصد) و نقش «بیان‌کننده» (۲۹ درصد) بیش‌ترین نقش‌ها را ایفا کرده‌اند. بنابراین ملاحظه می‌شود که در دوره پنجم در مقایسه با دوره‌های قبل، نقش «بیان‌کننده» پلیس به مراتب بیش‌تر در مطبوعات دیده شده است (جدول شماره ۱۱).

جدول شماره ۱۱ - مقایسه مطالب بر حسب نقش ارائه شده از پلیس در دوره‌های زمانی مختلف

نقش پلیس در مطلب	دوره‌های زمانی مورد بررسی						
	۱۳۰۱-۱۳۰۲	۱۳۲۰-۱۳۲۱	۱۳۳۲-۱۳۳۴	۱۳۵۶	۱۳۸۰-۱۳۸۱	جمع	
بیان‌کننده	تعداد	۱۰	۱۷	۲۶	۲۸	۱۵۴	۲۳۵
	درصدسطری	۳/۴	۷/۲	۱۱/۱	۱۱/۹	۶۵/۵	۱۰۰
	درصدستونی	۵/۱	۸/۱	۴/۵	۶/۳	۲۱/۹	۱۲
اقدام‌کننده (فاعلی)	تعداد	۱۰۵	۵۴	۱۵۸	۱۲۴	۱۳۸	۵۷۹
	درصدسطری	۱۸/۱	۹/۳	۲۷/۳	۲۱/۴	۲۳/۸	۱۰۰
	درصدستونی	۵۳/۸	۲۵/۶	۲۷/۴	۲۷/۹	۲۶/۱	۲۹/۶

ادامه جدول شماره ۱۱

دوره‌های زمانی مورد بررسی						نقش پلیس در مطلب	
جمع	۱۳۸۰-۱۳۸۱	۱۳۵۶	۱۳۳۲-۱۳۳۴	۱۳۲۰-۱۳۲۱	۱۳۰۱-۱۳۰۲	تعداد	موضوع اقدام (مفعولی)
۳۷۳	۷	۹۳	۱۴۳	۸۴	۴۶	درصدسطری	
۱۰۰	۱/۹	۲۴/۹	۳۸/۳	۲۲/۵	۱۲/۳	درصدستونی	
۱۹/۱	۱/۳	۲۰/۹	۲۴/۸	۳۹/۸	۲۳/۶		
۴۱۹	۲۰۹	۱۱۶	۸۷	۲	۵	تعداد	بیان‌کننده و فاعلی
۱۰۰	۴۹/۹	۲۷/۷	۲۰/۸	۰/۵	۱/۲	درصدسطری	
۲۱/۴	۳۹/۵	۲۶/۱	۱۵/۱	۰/۹	۲/۶	درصدستونی	
۲۴	۲	۱	۹	۱	۱۱	تعداد	بیان‌کننده و مفعولی
۱۰۰	۸/۳	۴/۲	۳۷/۵	۴/۲	۴۵/۸	درصدسطری	
۱/۲	۰/۴	۰/۲	۱/۶	۰/۵	۵/۶	درصدستونی	
۲۶۳	۳	۵۷	۱۴۴	۴۲	۱۷	تعداد	فاعلی و مفعولی
۱۰۰	۱/۱	۲۱/۷	۵۴/۸	۱۶	۶/۵	درصدسطری	
۱۳/۵	۰/۶	۱۲/۸	۲۵	۱۹/۹	۸/۷	درصدستونی	
۶۲	۱۶	۲۵	۹	۱۱	۱	تعداد	بیان‌کننده، فاعلی، مفعولی
۱۰۰	۲۵/۸	۴۰/۳	۱۴/۵	۱۷/۷	۱/۶	درصدسطری	
۳/۲	۳	۵/۶	۱/۶	۵/۲	۰/۵	درصدستونی	
۱۹۵۵	۵۲۹	۴۴۴	۵۷۶	۲۱۱	۱۹۵	تعداد	جمع

$$X^2 = ۷۳۰/۷۴۹$$

$$d.f = ۲۴$$

$$P < ۰/۰۰۱$$

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر بر مبنای تحلیل متون مطبوعات ایران در یک بستر تاریخی به واکاوی ارتباط پلیس و مردم در مقاطعی از دوره‌های تاریخ معاصر این کشور پرداخت تا با ردیابی تغییراتی که در شکل رابطه بین پلیس و مردم رخ داده است، تصویری عینی از آن چه بوده ارائه کند. در این پژوهش، مطبوعات به خاطر داشتن متون تاریخی ماندگار و قابل واریسی، متناسب با هدف تحقیق، مبنای تحلیل قرار گرفتند. این تحقیق تلاش داشته تا در ضمن واریسی خود، تأثیر تغییر شرایط سیاسی ایران را بر عملکرد مطبوعات، در یک موضوع اجتماعی (یعنی رابطه پلیس و مردم) نشان دهد. بنابراین، نباید نتایج حاصل از این بررسی را به منزله تصویر واقعی وضعیت رابطه پلیس و مردم در دوره‌های مورد بررسی دانست، بلکه این نتایج صرفاً به توصیف و تحلیل آن چه از این رابطه در دوره‌های مختلف تاریخی در مطبوعات کشور نقش بسته است، می‌پردازد.

بر مبنای نظریه‌های ارتباطی، مطبوعات به عنوان حلقه رابط نهادهای اجتماعی و مردم، در حین تفسیر حوادث و رخداد‌های پراکنده، می‌توانند به تربیون یا حامل اطلاعات و عقاید جهت‌داده‌شده در راستای مقاصد تبلیغاتی یا واقع‌گزینی تبدیل شوند. در چنین شرایطی، این حلقه ارتباط دوجانبه، در ضمن ایفای کارکرد راهنمایی و هدایت افکار، بعضاً برخی از واقعیات جامعه را تحریف می‌کند. از آن جا که نقش میانجی مطبوعات در روابط اجتماعی، و از جمله در رابطه پلیس و مردم، تحت تأثیر میزان استقلال عمل رسانه و نهاد اجتماعی مورد نظر قرار دارد، لازم است همواره در تحلیل یافته‌های تحقیقاتی از این دست، بافت و زمینه‌های اجتماعی و تاریخی مورد توجه باشند. مواردی از یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهند که مطبوعات در حین تفسیر حوادث و رخداد‌های پراکنده انتظامی و پلیسی، متناسب با فضا و شرایط سیاسی به

گونه‌ای متفاوت عمل کرده اند.

بنابراین شاید مناسب‌تر باشد به جای این که فراز و فرودهای تاریخی ارائه مطبوعاتی از رابطه پلیس و مردم در مطبوعات را لزوماً به منزله تحول در ساختار و رویکرد پلیس بدانیم، آن را در زمینه انبساط و انقباض فضای عمومی کشور تحلیل کنیم. بدین ترتیب احتمالاً تصویری واقعی‌تر از آن چه بوده و هست به دست خواهد آمد.

در این بررسی تغییراتی که پلیس در طول زمان با انواع مختلف مخاطبان و نقش‌ها داشته است، با استفاده از متون مطبوعاتی نشان داده شد و مشخص گردید که تحت تأثیر تغییرات، حجم و سطح این روابط دگرگون شده اند.

از سوی دیگر با توجه به نظریه‌های مربوط به رویه‌های گفتاری و مباحث مورد نظر زبان‌شناسان نقش‌گرا، در این تحقیق انواع نقش‌های پلیس در مطالب (مانند نقش کنش‌گر، مورد کنش و بیان‌کننده)، تحلیل شد و معلوم گردید که در دوره‌های مختلف، تغییراتی در هر یک از این نقش‌ها در رابطه پلیس با مردم در مطبوعات حاصل شده است. از جمله باید به این یافته تحقیق اشاره کرد که مؤید افزایش فعالیت‌های بیانی و به موازات آن کاهش نقش «مفعولی» یا کنش‌گری صرف پلیس در ارتباط با مردم در دوره‌های اخیر است.

در دوره‌های مختلف حجم، نوع مطالبات مردم از پلیس تغییر یافته، و شیوه پاسخگویی پلیس به آن‌ها نیز در دو طیف «ستیز، حذف و طرد» یا «نقد، تحلیل و اصلاح» در نوسان بوده است. به علاوه در ارائه نقش نظارتی مردم بر عملکرد پلیس در دوره‌های مختلف تغییراتی به وجود آمده است به طوری که متناسب با فضای سیاسی، حجم پیام‌ها و مطالبات مردمی تغییر یافته، نوع مطالبات تغییر پیدا کرده و نحوه پاسخگویی پلیس به آن‌ها نیز دگرگون شده است.

چارچوب سازمان‌های رسانه‌ای، در متن نهاد گسترده ارتباطات عمل می‌کند و

نظریه هنجاری رسانه‌ها پاسخگوی نحوه عمل رسانه در شرایط اجتماعی خاص است. در این بررسی نیز قواعد کلی حاکم بر فضای مطبوعات کشور در دوره‌های مختلف، وضعیت خود را در ضمن نمایش رویکرد و اقتدار پلیس نشان داده است، به گونه‌ای که در فرازهایی از تاریخ این کشور، به مقتضای باز یا بسته بودن فضای سیاسی، تصویری مقتدر یا غیرمقتدر از پلیس موجود در مطبوعات آن دوره عرضه شده است.

از منظر نظریه‌های کارکردی جامعه‌شناسی نظم و امنیت، پلیس از جمله واحدهای اجتماعی است که در برقراری نظم و امنیت با حکومت و سایر نهادهای مختلف اجتماعی در ارتباط و تعامل مستمر است. از این نظر کارکرد نهاد رسانه ایجاد پیوند میان جامعه و پلیس به عنوان اصلی‌ترین نهاد حفظ نظم و امنیت اجتماعی است. با توجه به پیوند روزافزون میان فعالیت‌های رسانه‌ای و غیررسانه‌ای، در طول زمان، نهاد رسانه خود را با محیط و قواعد نهادی در حال تغییر سازگار می‌کند. نتایج این بررسی نیز نشان می‌دهد که در طول زمان، مطبوعات کشور در هنگام ارائه مطالب، خود را با شرایط محیط سیاسی سازگار نموده‌اند.

عملکرد سازمان‌ها در میدان نیروهای اجتماعی، تحت تأثیر روابط مختلف درون و برون‌سازمانی قرار دارد. پنج نوع از این روابط که بر فعالیت‌های سازمان اثر می‌گذارند عبارتند از: روابط با جامعه، روابط با مشتریان، روابط با منابع اطلاعاتی یا دولتی، روابط در درون سازمان بین انواع مختلف نقش‌ها و روابط با مخاطبان. در این بررسی تغییراتی که پلیس در طول زمان با انواع مختلف مخاطبان و نقش‌ها داشته است با استفاده از متون مطبوعاتی نشان داده شد و مشخص گردید که چگونه در دوره‌های مختلف، حجم و سطح این روابط متفاوت نشان داده شده است.

از سوی دیگر با توجه به نظریه کنش‌های زبانی و مباحث مورد نظر زبان‌شناسان نقش‌گرا، در این تحقیق انواع نقش‌های پلیس در مطالب تحلیل شد و معلوم گردید که در

دوره‌های مختلف، چه تغییراتی در هر یک از این نقش‌ها در برقراری ارتباط با مردم از طریق مطبوعات حاصل شده است. از جمله باید به این یافته تحقیق که مؤید افزایش فعالیت‌های بیانی و به موازات آن کاهش نقش کنش‌گری صرف پلیس در ارتباط با مردم در دوره‌های اخیر است، اشاره کرد.

نظریه‌های ارتباطی تأکید دارند که نقش و رویکرد رسانه‌ها در برقرار ساختن رابطه نهادهای اجتماعی و مردم، تابعی از شیوه نگرش و برخورد حکومت‌ها با این رسانه است. در این تحقیق، به این موضوع از منظر «نحوه پاسخگویی پلیس به پدیده‌ها»، و «میزان و نوع مطالبات مردمی» انعکاس یافته در مطبوعات پرداخته شد و معلوم گردید که در دوره‌های مختلف حجم و نوع مطالبات مردم از پلیس تغییر یافته، شیوه پاسخگویی پلیس به آن‌ها نیز در دو طیف «ستیز، حذف و طرد» یا «نقد، تحلیل و اصلاح» در نوسان بوده است، به طوری که متناسب با تغییر فضای سیاسی، حجم پیام‌ها و مطالبات مردمی کاهش یا افزایش یافته، نوع مطالبات تغییر پیدا کرده و نحوه پاسخگویی پلیس به آن‌ها نیز دگرگون شده است.

با توجه به این که در رویکرد جامعه‌گرا، تأمین امنیت مردم اولویتی بالاتر از تأمین امنیت دولتمردان دارد، در این تحقیق این نکته مورد بررسی قرار گرفت که بر اساس مطالب مطبوعات، در دوره‌های مختلف تا چه اندازه جهت‌گیری و توجه پلیس معطوف به مردم و تا چه اندازه معطوف به دولتمردان نشان داده شده است. نتایج بررسی نشان‌دهنده تفاوت در جهت‌گیری و توجه پلیس به این دو طیف در دوره‌های مختلف است.

در حالی که اتخاذ رویکرد «جامعه‌محور» به عنوان رویکرد اصلی به دفعات از طریق رسانه‌ها در سالیان اخیر توسط مسئولان انتظامی کشور اعلام شده است، یافته‌های بررسی حاضر نشان می‌دهد که در آخرین مقطع مورد بررسی در این تحقیق، محتوای

مطالب مطبوعات کشور، ارائه‌کننده فضا و رویکردی نه چندان نزدیک به رویکرد مورد نظر و بیان مسیولان انتظامی کشور است. دلایل واقعی وجود چنین تعارضی به بررسی دیگری نیاز دارد. فرضیه‌های آن بررسی ممکن است در جهت پاسخ به این پرسش‌ها تنظیم شوند که: آیا میان آن چه توسط مسئولان نیروی انتظامی عنوان می‌شود و آن چه در واقعیت بیرونی جریان دارد، فاصله و تفاوت وجود دارد؟ و تا چه اندازه مطبوعات نسبت به تحول در رویکرد و رفتار این نیرو شناخت یا باور دارند؟

ضمن تأمل در نتایج این بررسی، موارد مهم دیگری مطرح می‌شوند، از جمله این که «مطبوعات چگونه می‌توانند به دور از دغدغه‌های سیاسی و مالی، استقلال خود را حفظ و در انعکاس واقعیت اجتماعی، بر اساس رسالت مورد انتظار از آنان عمل نمایند؟» و «چنان چه رویکرد مورد نظر مسیولان انتظامی کشور در حال پیاده شدن و استقرار باشد و پلیس ایران از نظر رویکرد و شیوه عمل در برقراری رابطه با جامعه، موافق با منافع مردم رفتار کند، مطبوعات چگونه می‌توانند به نهادینه شدن این رفتار کمک کنند و در این مسیر، استقلال عمل خود را حفظ و اصول اخلاق حرفه‌ای را رعایت کنند؟»

منابع

- اینگلیس، فرد. نظریه رسانه‌ها. ترجمه محمود حقیقت‌کاشانی. تهران: مرکز مطالعات، تحقیقات و سنجش برنامه‌های صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران،

۱۳۷۷.

- بدیعی، نعیم. «ساختار اخبار خارجی در روزنامه‌های تهران»، فصلنامه علوم

اجتماعی. شماره ۳ و ۴، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۱.

- بدیعی، نعیم. «ساختار اخبار بین‌المللی و چگونگی مقابله با تهاجم خبری در

ایران»، نامه پژوهش. فصلنامه تحقیقات فرهنگی، مرکز پژوهش‌های بنیادی، معاونت پژوهشی و آموزشی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سال اول، شماره‌های ۲ و ۳، پاییز و زمستان ۱۳۷۵.

- عبدی، توحید. «کلام اول»، *مطالعات امنیت اجتماعی*. فصلنامه علمی کاربردی معاونت اجتماعی ناجا، پیش شماره اول، پاییز ۱۳۸۲.

- قالیباف، محمدباقر. «پلیس و رهیافت اجتماعی توسعه امنیت»، *مطالعات امنیت اجتماعی*. فصلنامه علمی کاربردی معاونت اجتماعی ناجا، پیش شماره اول، پاییز ۱۳۸۲.

- محسنیان راد، مهدی. «نقش مطبوعات در ایجاد وفاق ملی»، رسانه. فصلنامه مطالعاتی و تحقیقاتی وسایل ارتباط جمعی، سال دهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۸.

- مک کوئیل. دنیس. *درآمدی بر نظریه ارتباط جمعی*. ترجمه پرویز اجلالی. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۸۲.

- Geertz, Clifford. *Ideology as a Cultural System*. London & New York, Routledge, 1975.

- Georger, Zito. *Methodology & Meaning*. New York: Praeger Publishers, 1975.

- Kelling, George L. and Moore, Mark H. "From Political to Reform to Community: The Evolving Strategy of Police", *Community Policing Rhetoric or Reality*. Edited by Jack R. Greene and Stephen D. Mastrofski, 3-25. New York: Praeger Publishers, 1991.

police have been criticized in press, constructive or destructive.

Findings of this study show that the role of press in reflecting interactions between police and people is largely influenced by socio-political circumstances. During studied periods, political environment of the society had caused the press to picture different images of the authority and public interactions of police.